



## پرونده‌ای درباره خوش تیپ‌ترین چهره‌های معروف در سی سال اخیر

## پیشه‌ام «خوش تیپی» است!

**ندا حبیبی**– نوجوان بودید عکس چه کسی را به دیوار اتاقتان می‌زدید؟ وقت دیدن کدام شخصیت در قاب تلویزیون، دلتان به تاپ تاپ می‌افتاد؟ آرزوی داشتن قیافه و تیپ کدام آدم معروف را داشتید؟ حتی اگر از مادر بزرگ و پدر بزرگ‌هایتان هم بپرسید، بالاخره اعتراف می‌کنند وقتی جوان بودند، شیفته ظاهر یک آدم معروف بودند. سلبریتی دوستی کمابیش در خون همه نسل‌هاست! آدم‌های معروفی که به واسطه چهره و لباس پوشیدن متفاوتشان، محبوب شده‌اند کم نیستند. حالا اگر این تیپ و قد و بالا را با چاشنی مردم‌دوستی و سرآمد بودن در حرفه خودشان هم ترکیب کنند، چه بهتر؛ تا سالیان دراز در ذهن و دل هواداران‌شان ماندگارند و تصویر و یادشان بر دیوار دل هواداران‌شان حک می‌شود. البته از قدیم گفته‌اند «خوشگلی دردسر داره؛ برای برخی این دردسر‌ها عذاب‌آور و برای بعضی هم پول و رفاه به ارمان می‌آورد و گاهی برخی از این چهره‌ها به قدری گل می‌کنند که می‌شوند متر و معیار خوش تیپی. مثلا می‌گویند: «آقا داماد ماشاء... برای خودش دی کاریبویی ست» پرونده امروز زندگی‌سلام، یک پرونده جذاب و سرگرم‌کننده است که مروری دارد بر خوش‌تیپ‌ترین‌های ایران در سی سال اخیر. برای پرونده این شماره، اسامی تعداد زیادی از مردان خوش‌تیپ دهه‌های اخیر کشورمان را فهرست‌بندی کردیم؛ فهرستی که به دلیل این‌که قصد داشتیم به چهره‌های خاص با حرفه و استایل‌ظاهری متفاوت بپردازیم، به نفع بقیه‌ازشان چشم‌پوشی کردیم. البته سلیقه شما هم محترم است؛ حتی اگر فقط اسم خودتان به عنوان خوش تیپ‌ترین مرد قرون و اعصار گذشته به‌خاطر‌تان بیاید! با ما همراه باشید.

گفت‌وگوی اختصاصی زندگی‌سلام با «نیما نکیسا»، از خوش تیپ‌های دهه ۷۰

## لباس‌هایم را بفروشم، می‌توانم دو ماشین خوب بخرم!

مازیار حکاک – «نیما نکیسا» دروازه‌بان سابق تیم ملی، یک از خوش‌تیپ‌های معروف دهه ۷۰ بود. او بعد از «رضا شاهرودی»، طرفداران زیادی در زمینه خوش تیپی و خوش‌پوشی داشت و خیلی‌ها به عشق او مدل موهایشان را تغییر می‌دادند و لباس‌هایی شبیه لباس‌های او تهیه می‌کردند. با او که هنوز هم به ظاهرش اهمیت زیادی می‌دهد، درباره خوش‌پوشی و علاقه‌اش به خوش تیپی هم‌کلام شدیم که در ادامه می‌خوانید.

**\*خودتان هم موافقید که خوش تیپ بودید و هستید؟**

شاید، یک بخشی از این قضیه به هیکل و استایل و بخشی هم به این برمی‌گردد که شما در چه خانواده‌ای بزرگ شده‌اید و طبق فرهنگتان، پوششی انتخاب می‌کنید که هم مناسب اندامتان باشد و هم مناسب موقعیتان به عنوان یک قهرمان. من همیشه سعی کرده‌ام از لباس‌های رسمی، لباسی که بیانگر شخصیت و جایگاه اجتماعی‌ام باشد استفاده کنم. منتها این نکات، حداقل در دهه ۷۰ به اندازه‌الان مهم نبود. یک‌سری از ورزشکاران به خوش تیپی اهمیت می‌دادند و برایش تلاش می‌کردند و یک سری هم برایشان اهمیتی نداشت. من به این خاطر که در خانواده‌ای بزرگ شده بودم که به ظاهر اهمیت می‌دادند، همیشه حساسیت زیادی روی انتخاب لباس داشتم و این وسواس تا همین الان هم با من هست و سعی می‌کنم شیک و به روز و رسمی بپوشم.

**\* احتمالا برای این شیک پوشی هم، هزینه زیادی می‌کنید؟**

بله. متاسفانه هنوز هم این اخلاق را دارم.

**\* چرا متاسفانه؟**

چون به قدری برای ظاهر پول خرج می‌کنم که اگر همین الان لباس‌هایم را بفروشم، می‌توانم دو ماشین خوب بخرم! علتش هم این است که مردم معمولا دوست ندارند عکس ما را با پوشش تکراری ببینند.

**\* سالانه چقدر خرج پوشش و خرید لباس‌هایتان می‌کنید؟**

فکر می‌کنم سالی ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان!

**\* آن زمان چه حسی داشتید که مردم شما را! به چشم یک مرد ایده‌آل می‌دیدند؟**

برایم خوشایند بود. طبیعتا همه آدم‌ها به نوعی درگیر این مسئله هستند که به لحاظ رفتاری، اخلاقی، نوع پوشش، وجاهت و سطح تحصیلات به جایگاه قابل احترامی دست پیدا کنند. ما انسان‌ها به شکل ناخودآگاه به دنبال تایید دیگرانیم و من هم آن زمان، حس بسیار خوبی از تایید و توجه مردم و هوادارانم داشتم.

**\* خاطره‌ای دارید از این‌که یک هوادار به عشق شما تنبیش را عوض کرده باشد؟**

بله خیلی زیاد. خیلی‌هایشان هنوز از دوستانم هستند. حداقل ۲ نفر از ۲۰ سال پیش تا الان، به سبک من با من جلو آمدند. یکی از این دوستان حتی فامیلش را هم به «نکیسا» تغییر داده است. از کارگری شروع کرد اما الان صاحب دو مغازه است و زندگی بسیار خوبی دارد. طرفداران من خاص هستند، چراکه خودم فضاهای خاصی را دنبال می‌کنم. چه در پوشش و استایل، چه در فعالیت‌های ورزشی و هنری مثل نواختن پیانو.

**\* انکار آن زمان در بین بازیکنان تیم ملی، از همه ممکن مالی بیشتری هم داشتید؟**

بله ولی الان از همه ضعیف‌ترم!

**\* آن زمان برای استفاده از عکستان روی جلد مجلات یا تبلیغ محصولات، پیشنهادی داشتید؟**

راستش نه. آن زمان تبلیغات ممنوع بود. اما الان من ۹۰ بیلورد در کیش دارم و ۱۵ بیلورد در تهران؛ برای اولین بار است که وارد فضای تبلیغات شده‌ام و آن هم به این خاطر که کار اجرایی پروژه با خودم بود و پذیرفتم.

**\* پوسترهایی را که آن موقع از شما چاپ می‌شد، دارید؟**

بله البته کمی خنده دار و خجالت‌آور است.

**\* چرا؟**

به خاطر تغییر سلیقه و ذائقه در ظاهر و لباس پوشیدن. مدل مو و لباس‌های آن موقع برای الان خنده دار است.

**\* راستی خوش تیپی تأثیری هم در روند حرفه‌ای تان داشت؟**

بله ولی متاسفانه مخرب بود، به ضرر من شد و بازخورد خوبی نداشت. آن زمان فکر می‌کردند فوتبالیست اگر قیافه‌اش ضایع باشد، فوتبالیست بهتری است. البته من در کنار خوش‌پوشی، همیشه سالم و ساده زندگی کردم.

## این جنتلمن چرم پوش چشم‌آبی!

**نام و نام خانوادگی: بهرام رادان / تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۲/۸**  
**فعالیت: بازیگری و خوانندگی / اوج شهرت: دهه هشتاد**

درست است که «شور عشق» فیلم نسبتاً ضعیفی بود اما آن فیلم در سال ۷۹ دو چهره را به سینمای ایران معرفی کرد؛ «بهرام رادان» و «مهناز افشار». بعد از آن فیلم، بهرام رادان در نقش جوان اول فیلم‌های متعددی بازی کرد و رفته رفته به یک ستاره استثنایی در آسمان قلب هوادارانش تبدیل شد و این جوان چشم‌آبی با موهای قهوه‌ای تیره و قد و هیکل ورزیده و اسم و فامیل شیک و یونیک و صدای بم و خاص، شد سمبل خوش تیپی و البته که در سال‌های اخیر هم، تعداد هوادارانش افول نکرده و صفحه‌اش در اینستاگرام بیش از دو و نیم میلیون نفر دنبال‌کننده دارد. رادان چهره‌ای کاملاً طبیعی دارد که طی سال‌های دهه هشتاد، پخته و جاقفاده شده و این روزها در آستانه سی و هفت سالگی به ثبات ظاهری ایده‌آلی رسیده و در سال‌های اخیر، نگاه نافذ و اخم سینمایی‌اش، رونق بخش تبلیغات یک شرکت بزرگ تولید محصولات چرمی است. اما خوش تیپی جناب رادان به همین جا ختم نمی‌شود. حدود یک سال پیش وب‌سایت تخصصی stylish که یک رسانه لاکچری آمریکایی است، پس از تحقیقات فراوان، فهرست ده نفره‌ای از خوش قیافه و خوش پوش‌ترین بازیگران مرد جهان را منتشر کرد و بله! بهرام رادان پنجمین نفر این فهرست بود. معمولا نوعی نزاکت در پوشش و رفتار رادان به چشم می‌خورد که وی را از دیگر همکارانش متمایز می‌کند. انتخاب متناسب کت و شلوار با نوع مراسمی که در آن شرکت می‌کند، از مهم‌ترین مهارت‌های اوست.

**دیگر ستاره‌های خوش تیپ دهه هشتاد: رضا گلزار، امین حیایی، محمدرضا فروتن؛ پژمان بازغی، مانی حقیقی**

## امیر وارد می‌شود!

**نام و نام خانوادگی: امیر جدیدی / تاریخ تولد: ۱۳۶۳/۳/۳۱**  
**فعالیت: بازیگری / اوج شهرت: دهه نود**

چهار شانه و قد بلند، چشم و ابرو مشکي با صدایی مردانه و دو رگه. این ویژگی‌های ظاهری، بدجوری خوراکِ جوان‌اول‌شدن در سینماست. امیر جدیدی در ذهن بسیاری از منتقدان و فیلمسازان و مخاطبان، پدیده دهه نود سینمای ایران است اما استایل و قد و قامت و انتخاب لباس‌های درستش در مکان‌های مختلف، باعث شده است یکی از خوش‌تیپ‌ترین‌های این دهه هم، حداقل تا امروز باشد. جدیدی علاوه بر هنرمند بودن، ورزشکار و تنیسور قهرای هم هست و در نتیجه هیکل چابک و پرتوانی دارد و می‌تواند از پس نقش‌های متفاوت و دشوار، به خوبی برآید. جدیدی مربی تنیس هومن سیدی، کارگردان سینما بود و اولین بار به پیشنهاد او در فیلم آفریقا اثر خود سیدی ایفای نقش کرد و مورد توجه قرار گرفت و در جشنواره فیلم فجر پارسال، با بازی در «ازدها وارد می‌شود، حسابی ترکانند. باید دید جدیدی با این پتانسیل بالای ظاهری و استعدادی که در زمینه بازیگری از خود نشان داده است، در آینده سینمای ایران چه جایگاهی را از آن خود می‌کند؟ آیا ستاره جاودانه دیگری در سینمای ایران طلوع کرده است؟

**دیگر ستاره‌های خوش تیپ دهه نود: سیروان خسروی، سیاوش خیرابی، ساعد سهیلی**

## خوش تیپی چیست؟

کارشناس طراحی لباس و مد، خوش تیپی را «ترکیب مناسب فرم بدن و چهره با لباس مناسب آن هیکل و چهره، تعریف می‌کنند و معتقدند خوش تیپی ربط چندانی به زیبایی یا حتی قد و قامت ندارد، بلکه به انتخاب لباس درست شخص براساس هیکل و سن و سال و مکانی که قرار است در آن حاضر شود، برمی‌گردد. بعضی‌ها خوش تیپی را با خوشگلی اشتباه می‌گیرند، غافل از اینکه فرم و رنگ‌های موجود در لباس اشخاص، خیلی زودتر و عمیق‌تر از زیبایی چهره به چشم می‌آید و اینجوری است که گاهی یک نفر زیباست اما جذاب نیست و گاهی یک نفر چندان از استاندارد‌های زیبایی بهره‌نبرده است اما بسیار جذاب به نظر می‌آید.

اگر تعریف خوش تیپی را محدود به آراستگی بدانیم، یک امر ضروری است اما اگر آراستگی را برابر با تنوع طلبی در خرید و انتخاب لباس و تکراری نبودن بدانیم، تبدیل به رفتاری افرایمی می‌شود که دیگر در آن آراستگی اهمیت‌ش را از دست می‌دهد و اولویت اصلی، رقابت فرد با ظاهر

دیروز خودش می‌شود. اگر هم خوش تیپی را برابر با مدگرایی بدانیم که متأسفانه تعریف مورد قبول بسیاری از جوانان است، با هر ورطه‌ای گذاشته ایم که دیگر انتخاب‌کننده نیستیم و صرفاً دنباله‌رو انتخاب بقیه ایم و از پوششی استفاده می‌کنیم که گاهی نه تنها با آراستگی در تضاد است بلکه باظاهر، طبقه و نقش اجتماعی‌ما هم‌تناسبی ندارد.

تعریف خوش تیپی برای ما هر چه هست، نمی‌توان نقش گروه‌های مرجع را در تعیین متر و معیارهایش نادیده گرفت. ستاره و چهره‌هایی که خواسته یا ناخواسته در چشم‌هستند و خیلی وقت‌ها سلیقه‌شان در انتخاب کفش و لباس و مدل مو و ساعت، الگوی جوانانی است که به آنها علاقه دارند. در دهه‌های شصت و هفتاد که امکانات ارتباطی کم بود، ورزشکاران و هنرمندان کشور، یک جور‌هایی موج‌ساز بودند و نگاه خیلی از جوانان به جای آن‌که به مدهای خارجی باشد، به تیپ و رفتار چهره‌های داخلی بود و اینجوری بود که مدل موی ابداعی یک ستاره هم، الهام بخش تعداد زیادی